

واکاوی جایگاه سیاسی-اجتماعی و خانوادگی زنان در آموزه های قرآنی

الهام نجفی^۱، ظریفه جوادی^۲

چکیده

جایگاه سیاسی-اجتماعی و خانوادگی زن از مباحثی است که در ادیان و مکاتب متعدد اهمیت دارد و در این مورد نظریه پردازی های زیادی صورت گرفته است. از نظر اسلام، زن در خانواده در قالب همسر و مادر جایگاه خاصی نسبت به مردان دارد. زن در نقش همسری، حقوق و هویتی مستقل دارد و برابر با مرد است. در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز حضور زنان همانند مردان مهم است و براساس تمایز جنسیتی و ظرفیتی که هر دو جنس دارند حضور در این مجامع تأکید شده است. خداوند در یکی از مهم ترین منابع اسلامی (قرآن کریم) به آموزه های تربیتی و اخلاقی پرداخته است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه ای، جایگاه سیاسی-اجتماعی زنان را در آموزه های قرآنی بررسی نمود. همچنین باهدف تأکید بر تفاسیر متعدد به بازخوانی روح حاکم بر آیات مرتبط با حقوق فردی و شهروندی و به بررسی و جست و جوی تفاسیر آیات قرآنی مرتبط با آموزه های تربیتی در حوزه خانوادگی و سیاسی و اجتماعی زنان می پردازد.

واژگان کلیدی: زن، خانواده، اجتماع، سیاست، قرآن.

۱. مربی گروه مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: e_najafi110@yahoo.com

ORCID: .0009-0002-9564-445X

۲. دانش پژوه کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: Tanin.spring@gmail.com

ORCID: .0009-0007-7154-8005

۱. مقدمه

هم‌زمان با قرن بیستم تحولات جدیدی در حوزه علوم اجتماعی صورت گرفت. اکنون نیز تغییرات زیادی در شیوه زندگی و تبادل اطلاعات در حال انجام است. در جامعه انسانی که از دو جنس زن و مرد تشکیل شده است زن نیمی از این پیکره را شامل می‌شود. بارداری و به دنیا آوردن از ویژگی‌های مختص زنانه است و با ساده‌ترین منطق هم نمی‌توان از آن صرف نظر کرد؛ زیرا بدون حضور او تداوم نسلی ادامه نمی‌یابد. امروزه چه در مکاتب توحیدی و چه غیرتوحیدی، نظریه‌ها و آیین‌های متفاوتی درباره زن بیان شده است. این نظریات موجب شده است عده‌ای تفاوت‌های خاص بین زن و مرد را در نظر بگیرند و زنان را موجوداتی با جایگاهی بسیار پایین معرفی کنند. برای مثال در کتاب‌های مذهبی آمده است: «زنها آب‌های درآلوده‌اند که نیک‌بختی و ثروت را می‌شویند» (ویل دورانت، ۱۳۸۲، ص ۶۸). افلاطون نیز جنس زن را به طور فطری پست‌تر از مرد می‌داند (آلکن، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰). در تورات نیز زن عامل برون‌رانده شدن آدم از بهشت شمرده شده است (علوی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰). برخی مانند فمینیست‌های افراطی زن را بالاتر از مرد می‌دانند و حتی گاه به زندگی جنس زن‌ها به تنهایی یا باهم معتقد هستند.

از نظر اسلام زن مانند مرد محترم است و جایگاه خاصی در خانواده دارد. زن در صحنه سیاسی و اجتماعی نیز مانند مرد حق حضور دارد. یکی از منابع مورد تأیید همه مسلمانان قرآن کریم است. با استناد به قرآن و برای رفع ابهام در موضوع حاضر چند تفسیر مختلف در این زمینه بررسی می‌شود. زن در نقش همسر، هویتی مستقل و برابر با مرد دارد، از همه مزایای ازدواج و خانواده بهره می‌برد و در انتخاب ازدواج آزاد است. در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز حضور زن می‌تواند هم پای مردان باشد و در برخی موارد حضور اجتماعی بر هر دو واجب است. پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و موضوع آن، بررسی جایگاه سیاسی-اجتماعی زن از دیدگاه قرآن با تأکید بر تفاسیر مختلف قرآنی است. همچنین با استفاده از روش کتابخانه‌ای، تفاسیر آیات قرآنی مرتبط با آموزه‌های تربیتی در حوزه خانوادگی، سیاسی و اجتماعی زنان را بررسی می‌کند.

۲. تشابه زن و مرد در کسب فضائل و تناسب در حقوق و مسئولیت

اسلام به شخصیت و حقوق زن بسیار توجه کرده و از نگرش و رفتار ناپسند عرب جاهلی درباره زنان و دختران مانند زنده به گور کردن دختران سخت انتقاد کرده است. با ظهور اسلام، موقعیت اجتماعی زنان نیز پیشرفت کرد. (غروی، ۱۳۹۶، ص ۲۶۷) قرآن، زن و مرد را از نظر حیثیت انسانی، کسب فضائل اخلاقی و پاداش‌های اخروی همتای یکدیگر معرفی کرده است. همچنین با تأیید پاره‌ای تفاوت‌های حقوقی بین آنها در مواردی مانند سرپرستی خانواده، جواز تعدد زوجات در محدوده‌ای معین، ارث و شهادت، اصل عدالت را به جای اصل برابری کامل زیربنای حقوق زن قرار داده است. اسلام مجموعه‌ای از مقررات و قواعد را برای تنظیم روابط انسان‌ها وضع کرده است و به زن و مرد در قالب مکمل نگریده است. احکام و قوانین الهی، مشترک بین انسان‌هاست و محوریت این قوانین، انسان است. اگرچه در مواردی، موضوع حکم، خصوصیت ویژه‌ای در انسان باشد. اسلام زن را یک‌بار به صورت فردی و جدا از خانواده، یک‌بار در خانواده و یک‌بار نیز به صورت عضوی مؤثر برای تکامل جامعه مورد توجه قرار داده و اگر گاه تفاوتی در برخی حقوق به چشم می‌خورد ناشی از نگاه اسلام به انسان و تکامل جامعه به‌طور کلی است. اسلام قبل از مرد یا زن بودن به انسان توجه کرده و در این زمینه تفاوتی قائل نشده و نظام حقوقی خود را با این نگرش تنظیم کرده است. بنابراین، مرد و زن با وجود نقش‌های مختلف در حقوق و وظایف جایگاه ارزشی یکسانی دارند (جوان‌آراسته، ۱۳۹۷، ص ۱۲۶).

۳. زن در خانواده از منظر قرآن

با مطالعه تاریخ به راحتی می‌توان دریافت که زنان در گذشته جایگاه مطلوبی داشتند و اگر زنی مورد بی‌مهری و ظلم و ستم قرار می‌گرفت اهمیت خاصی نداشت، اما کم‌کم با به‌وجود آمدن تغییر و تحولات علمی و فرهنگی و آگاهی‌های روزافزون بشر، این سؤال مطرح شد که جایگاه واقعی زنان در جامعه و خانواده کجاست و یا حتی جایگاهی دارند یا نه. چگونه می‌توان حقوق از دست رفته زنان را به آنان بازگرداند. از آنجاکه اسلام برای زنان در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی

قوانین خاصی وضع کرده و حقوق شایسته‌ای که در شأن یک زن می‌تواند باشد را مشخص کرده است زنان در هر نقشی مهم هستند و هرکدام از این قوانین وضع شده، موجبات تعالی شخصیت زنان را فراهم می‌کند.

دین اسلام حضور بی‌قید و شرط زنان را در عرصه‌های مختلف اجتماعی نهی کرده است؛ زیرا بدون وجود این قیدها، حریم‌های اخلاقی مشخص شده برای موجود باارزشی مثل زن از بین می‌رود. از سوی دیگر، اسلام برای انجام فعالیت‌های اجتماعی، حفظ عفت و حیا را برای زنان واجب می‌داند؛ زیرا این امر واجب اگر عملی نشود مانعی بر راه سعادت زنان خواهد شد.

در کتب تاریخی، حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در زمان رسول خدا ﷺ و در زمان ائمه معصومین علیهم‌السلام به وضوح دیده شده است. برای مثال در زمان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برخی از اصحاب ایشان زنان را از حضور در امور اجتماعی و خروج از خانه منع می‌کردند، ولی با مخالفت آن حضرت روبه‌رو شدند. ایشان فرمود: «انه لقد أذن لکن ان تخرجن لحوائجکن؛ همانا خداوند به شما زنان اجازه داده است که برای برطرف کردن حوائج خود از خانه خارج شوید» (بخاری، ۱۳۹۱، ص ۸۷). آنچه قبل از اسلام در چهارده قرن پیش گذشته است با آنچه در جهان امروز می‌گذرد، مغایرت دارد. اسلام برای زن و مرد در همه موارد یک نوع حقوق، یک نوع وظیفه و یک نوع مجازات قائل نشده است. بنابر خلقت هر جنس برخی از حقوق، تکالیف و مجازات‌ها را برای مرد مناسب‌تر دانسته و برخی از آنها را برای زن. در نتیجه در مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در موارد دیگر وضع نامشابهی در نظر گرفته است (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷).

شناخت زن به منزله شناخت یک انسان باکرامت در دنیای امروز قابلیت معرفی دارد و ارزشمند است. تاریخ به تنهایی ثابت کرده است که اگر در گذشته، پدری از شنیدن دختردار شدنش ساعت‌ها به تأملی عمیق فرورفته و غرق در بیچارگی خود می‌شد، اما در سایه‌سار دین اسلام و با جانب‌داری‌های گسترده و اصول موجود در تعالیم اسلامی نسبت به زنان، آنها به گونه‌ای درخشیدند که نه تنها مایه بیچارگی پدرانشان نیستند، بلکه وجودشان برای پدران ارزش و اعتبار

ارزانی داشته است (وکیلی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷). جایگاه عظیم زن در خانواده از منظر قرآن در آیات مختلف ذکر شده است که تبیین می‌شوند.

۳-۱. عاشروهن بالمعروف

«یا ایها الذین آمنوا لا یحل لکم ان ترثوا النساء کرها و لا تعضوهن لتذهبوا ببعض ما آتیتموهن الا ان یأتین بفاحشة مبینه و عاشروهن بالمعروف فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئا و یجعل الله فیه خیرا کثیرا؛ ای کسانی که ایمان آوردید برای شما حلال نیست که از زنان از روی اکراه ارث ببرید و آنها را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آنها داده‌اید (از مهر) تملک کنید مگر اینکه آنها عمل زشت آشکاری انجام دهند و با آنان به طور شایسته رفتار کنید و اگر از آنها کراهت داشتید (فورا) تصمیم به جدایی نگیرید) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد و خداوند خیر فراوانی در آن قرار دهد». (نساء: ۱۹) از نظر علامه طباطبایی، معروف به معنای امری است که مردم در جامعه خود آن را به نیکی بشناسند و آن را انکار نکنند و چون دستور معاشرت کردن با زنان را مقید به معروف کرده، پس امر به معاشرت، معاشرتی است که نیکو باشد. خداوند در قرآن کریم اشاره دارد که مردان و زنان شاخه‌های یک ریشه هستند، اجزا و اعضای برای طبیعت یگانه بشری و جامعه هستند و در شکل‌گیری جامعه وجود هر دو جنس ضروری است (طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۱۹۰).

۳-۲. رحمت و مودت

«و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهن و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌ای است برای گروهی که تفکر می‌کنند». (روم: ۲۱) مودت در تفاسیر مختلف به معنای مهربانی است. مودت را همان احساس دوست داشتن یا علاقه انسان به انسانی دیگر می‌دانند، اما رحمت و مهربانی به آن تأثر قلبی می‌گویند که انسان با دیدن محرومیت یا مشکلات دیگر افراد در قلبش حس می‌کند. رحمت از مودت ناشی شده است. یکی از مظاهر مودت و رحمت را می‌توان در جامعه کوچکی به نام

خانواده دید. اگر این دو مفهوم در خانواده معنا پیدا نکند امکان تداوم نسل‌ها وجود ندارد (قرشی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۴). علامه طباطبایی معتقد است قرآن کریم جانب عقل را بر هوای نفس، پیروی از شهوات و دلدادگی در برابر عواطف و احساسات تند و تیز ترجیح می‌دهد و در حفظ این ودیعه الهی از ضایع شدن سفارش می‌کند؛ زیرا تعداد آیاتی که به صراحت این معنا را افاده می‌کند بسیار زیاد است (طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۱۹۰).

آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: «نکاتی که از این آیه استنباط می‌شود این است که تمام زن‌ها از نظر گوهر هستی و اصل مبدأ همتای مردان هستند و خلقت هیچ زنی جدای از خلقت مرد نیست، البته مسئله طینت، حکم جدایی دارد. طینت اولیای الهی از غیر آنها ممتاز است و آن بحث، اختصاصی به زن یا مرد ندارد و در این همتایی بین نخستین انسان و انسان‌های بعد فرقی نیست. چنان که در این مورد امتیازی بین اولیا و دیگران نیست. نکته دوم اینکه تمام زن‌ها از نظر حقیقت از منبع گوهر مردان‌اند». (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۵۰)

۳-۳. اطفاء غریزه

آیه سوم: «هو الذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها لیسکن الیها فلما تعشاهما حملت حملاً خفیفاً فمرت به فلما اثقلت دعوا الله ربهما لئن آتیتنا صالحاً لنکونن من الشاکرین؛ او خدایی است که همه شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا درکنار او بیاساید، سپس هنگامی که با او آمیزش کرد حملی سبک برداشت که با وجود آن به کارهای خود ادامه می‌داد و چون سنگین شد هردو از خداوند و پروردگار خود خواستند بار آنها اگر فرزند صالحی به ما دهی از شاکران خواهیم بود». (اعراف: ۱۸۹) نظر آیت الله جوادی توجه به این نکته است که آیا راز آفرینش زن و مرد و گرایش این دو به هم و انگیزه تأسیس خانواده و تربیت انسان کامل همانا گرایش جنسی است و جاهلیت جدید چونان جاهلیت کهن به آن دامن می‌زند. بنابراین، راز اصل آفرینش زن چیزی غیر از گرایش غریزی و اطفای نأثره شهوت است که خداوند آن را آرامش زن و مرد بیان کرده و اصالت را در ایجاد این آرامش به زن داده و او را در این امر روانی اصل می‌داند و

مرد را مجذوب مهر زن معرفی کرده است. با آنکه حقیقت هر دو را یک گوهر می داند و هیچ امتیازی از نظر مبدأ قبلی آفرینش بین آنها قائل نشده است. منظور از نفس واحده همان حقیقت و گوهر واحد است و مبدأ همه انسان ها یک حقیقت است. (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۴۸)

۳-۴. اطاعت و تمکین

آیه چهارم: «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله و الاتي تخافون نشوزهن فعظوهن و اهجروهن في المضاجع و اضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا؛ مردان سرپرست و نگهبان زنانند به خاطر برتری هایی که خداوند برای برخی نسبت به برخی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق هایی که از اموالشان می کنند و زنان صالح زنانی هستند که متواضع هستند و در غیاب همسر اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده است، حفظ می کنند، اما آن دسته از زنانی که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید پند و اندرز دهید (و اگر مؤثر واقع نشد) در بستر از آنها دوری کنید و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود) آنها را تنبیه کنید و اگر از شما پیروی کردند راهی برای تعدی بر آنها نجوید. بدانید خداوند بلند مرتبه و بزرگ است». (نساء: ۳۴)

علامه معتقد است که این حکم عمومی، منافاتی با این معنا ندارد که هریک از جنس زن و مرد خصلتی مخصوص به خود داشته باشد. برای مثال نوع مردان دارای شدت و قوت باشند و نوع زنان دارای رقت و عاطفه. چون طبیعت انسانیت هم در حیات تکوینی و هم اجتماعی اش نیازمند به ابراز شدت و اظهار قدرت و هم محتاج به اظهار مودت و رحمت است. (طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۹) از نظر آیت الله جوادی آملی توانایی مرد در مسائل اجتماعی و شم اقتصادی و تلاش و کوشش تحصیل مال و تأمین نیازمندی های منزل و اداره زندگی بیشتر است؛ زیرا مسئول تأمین هزینه و سرپرستی داخلی منزل با مرد است، اما نه اینکه از این سرپرستی بخواهد فضیلتی به دست آورد و بگوید من چون سرپرستم پس افضل هستم، بلکه این کار اجرایی است، وظیفه است نه

فضیلت و اینچنین نیست که قرآن به زن بگوید تحت فرمان مرد هستی، بلکه به مرد می‌گوید تو سرپرستی زن و منزل را برعهده داری. (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۱)

۳-۵. عدالت و مساوات

آیه پنجم: «و قلنا یا آدم اسکن انت و زوجک الجنة و کلا منها رغدا حیث شئتما و لاتقربا هذه الشجرة فتکونا من الظالمین؛ و گفتیم ای آدم تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از نعمت‌های آن از هر جایی خواهید گوارا بخورید، اما نزدیک این درخت نشوید که از ستمگران خواهید شد». (نساء: ۳۵) مهریزی در توضیح این آیه بیان می‌دارد که قرآن کریم برای زن و مرد نقشی برابر می‌بیند (مهریزی، ۱۳۸۱، ص ۶۴). در آیه «فقلنا یا آدم ان هذا عدو لک و لزوجک فلا یخرجنکما من الجنة فتشقی؛ پس گفتیم ای آدم! این ابلیس دشمن تو و همسر توست مبادا شما را از بهشت بیرون کند که به زحمت و رنج خواهی افتاد» (طه: ۱۱۷).

۳-۶. استقلال هویت

آیه ششم: «قال اهبطا منها جمیعا بعضکم لبعض عدو فاما یأتینکم منی هدی فمن اتبع هدی فلا یضل و لا یشقی؛ خداوند فرمود هر دو از بهشت فرود آید درحالی که دشمن یکدیگر خواهید بود، ولی هرگاه هدایت من به سراغ هدایت شما آید هرکس از هدایت من پیروی کند نه گمراه می‌شود و نه در رنج خواهد بود». (طه: ۱۲۳) آیه هفتم: «فاستجاب لهم ربهم انی لا اضع عمل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض فالذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اودوا فی سبیلی و قاتلو و قتلوا لاکفرن عنهم سیئاتهم و لأدخلنهم جنات تجری من تحتها الانهار ثوابا من عند الله و الله عنده حسن الثواب؛ خداوند درخواست آنها را پذیرفت و فرمود: من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را زن باشد یا مرد ضایع نخواهم کرد شما هم نوعید و از جنس یکدیگر آنها که در راه خدا هجرت کردند و از خانه‌های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند، جنگ کردند و کشته شدند به یقین گناهانشان را می‌بخشم و آنها را در باغ‌های بهشتی که از زیر درختانش نهرها جاری

است، وارد می‌کنم. این پاداشی است از طرف خداوند و بهترین پاداش‌ها نزد پروردگار است» (آل عمران: ۱۹۵).

از نظر علامه مراد از مهاجرت در آیه، هجرت و بیرون آمدن از شرک و قبیله و وطن است نه آن هجرت خاص مسلمین به سوی مدینه یا حبشه؛ زیرا لفظ هجرت در آیه به آن هجرت خاص اطلاق دارد. در آیه عبارت: «و اخرجوهم من دیارهم» ذکر شده و این هجرت عام مقابل آن قرار داده شده است. آنچه مطلب را تأیید می‌کند واژه سیئات است. سیئات در اصطلاح قرآن عبارت از گناهان صغیره است. بنابراین، آنها با توجه به گناهان کبیره مهاجرت کرده و خداوند هم گناهان صغیره آنها را پوشانده است. به این ترتیب مهاجرت در این آیه معنای اعمی دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۷) آیه هشتم: «و وصینا الانسان بوالديه حملته امه وهنا علی وهن و فصاله فی عامین ان اشکر لی و لوالذیک الی المصیر؛ و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد) و دوران شیرخوارگی او دو سال پایان می‌یابد (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر به جا آور که بازگشت همه شما به سوی من است» (لقمان: ۱۴).

مهدی مهریزی معتقد است در آیه توصیه به نیکی به پدر و مادر و بازداشتن از رفتار قهرآمیز با آنان، فرزندان را وامی‌دارد که برای پدر و مادر دعا کند. در واقع کودک نتیجه عمل پدر و مادر است و در قرآن کریم جایگاه مادران والا و ارزشمند می‌داند. (مهریزی، ۱۳۸۱، ص ۶۶) آیه نهم: «و اذ أخذ ربک من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم و اشهدهم علی انفسهم الست بریکم قالوا بلی شهدهنا ان تقولوا یوم القیامه انا کنا عن هذا غافلین؛ و به خاطر بی‌اوردن زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشستن ساخت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری گواهی می‌دهیم (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگوئید ما از این غافل بودیم» (اعراف: ۱۷۲). از نظر آیت الله جوادی آملی کلمه نفس در آیه مزبور تأنیث سماعی و مجازی دارد نه حقیقی. تأنیث کلمه واحده به همین دلیل است و معنای نفس واحده همانا حقیقت واحده اصل

افراد است. در هیچ قسمتی از قرآن از زن در قالب زوجه و از زنان دنیا یا آخرت بانام زوجات یاد نشده است، بلکه از آنها بانام زوج و زواج یاد شده است.

۴. جایگاه سیاسی-اجتماعی زن

۴-۱. حقوق سیاسی-اجتماعی متقابل

آیه اول: «لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم؛ به يقين رسولى از خود شما به سويتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و اصرار بر هدايت شما دارد و نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان است». (توبه: ۱۲۸) بررسی نقش و عملکرد زنان در اجتماع بیانگر این است که این طیف از جامعه تأثیر مثبتی در تمام امور اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دارد (قیوم‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۷۵). قریب به صدسال است که غرب سنگ آزادی و حقوق زنان را به سینه می‌زند و تا امروز این توانایی را نداشته است که الگو و مدل مدونی را ترسیم کند، بلکه موجب بحران‌های اجتماعی و سیاسی زنان شده است، اما اسلام با دیدگاه مثبت از حقوق زنان در بیشتر برنامه‌ها و دستورات اصولی، دقیق صحبت می‌کند. حضور زنان و مردان در فعالیت‌های اجتماعی و جنبش‌های سیاسی در شرایطی معتدل، تجویز تعیین شده است، چنان که این حرکت باید در راستای تحکیم بنیان خانواده و جلوگیری از فروپاشی این امر مهم باشد (زنجانی، ۱۳۸۱، ص ۸۵). آیت‌الله جوادی آملی در مورد جایگاه سیاسی و اجتماعی زن به این آیه اشاره کرده است و می‌فرماید: «تفاوت فراوانی بین وجود نورانی نبی اکرم و دیگران وجود دارد، ولی آنها باعث نمی‌شود که وجود مبارک رسول گرامی نوع جدایی از متعارف انسان باشد چنان که وجود نورانی حضرت زهرا علیها السلام امتیاز فراوانی دارد که در غیر انبیا و ائمه یافت نمی‌شود و این تمایزهای معنوی مانع وحدت نوعی آن حضرت با زنان و مردان دیگر نیست» (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۵۰).

آیه دوم: «يا ايها النبي قل لأزواجك إن كنتن تردن الحياه الدنيا و زينتها فتعالين امتعن و اسرحكن سراحا جميلا؛ ای پیامبر به همسرانت بگو اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را

می‌خواهید، بیایید با هدیه‌ای شما را بهره‌مند سازم و شما را به طرز نیکویی رها سازم». (احزاب: ۲۸) جوادی آملی در ذیل آیه می‌فرماید: «تجلی مهر و قهر در ظرفیت انسان کامل توان هماهنگی این دو صفت برجسته را دارد و در مسائل کلی و جزئی زن آنها را حفظ می‌کند. بنابراین، به همان نسبت که در مسائل سیاسی و نظامی و مباحث فرهنگی، قهر رسول اکرم با جمال مهرش آمیخته است در مسائل جزئی خانوادگی نیز پیوند آنها را حفظ می‌کند؛ زیرا عصاره اخلاق انسان کامل همانا قرآن کریم است و هردو از یک جایگاه رفیع تجلی کرده‌اند با این تفاوت که یکی ارسال شده و دیگری انزال و دیگری در صحابت دیگری فرود آمده است؛ یعنی قرآن در معیت انسان کامل نازل شد نه آنکه انسان کامل در معیت قرآن رسالت یافته باشد» (جوادی، ۱۳۷۷، ص ۳۰).

۴-۲. حق بیعت

آیه سوم: «یا ایها النبی اذا جاءک المؤمنات یبایعنک علی ان لا یشرکن بالله شیئا ولا یسرقن ولا یرزین ولا یقتلن اولادهن ولا یأتین ببهتان یفتینه بین ایدیهن و ارجلهن و لا یعصینک فی معروف فبایعهن و استغفر لهن الله ان الله غفور رحیم؛ ای پیامبر هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتزایی نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند با آنها بیعت کن و برای آنها از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است». (ممتحنه: ۱۲) علامه طباطبایی معتقد است آیه شریفه حکم بیعت زنان مؤمن با رسول خدا ﷺ را معین می‌کند و در آن اموری را بر آنها شرط کرده است که برخی مشترک است بین زنان و مردان مانند شرک ورزیدن و نافرمانی رسول خدا ﷺ در کارهای نیک کردن و برخی دیگر ارتباطش به زنان بیشتر است مانند دوری از سرقت و زنا، کشتن اولاد و اولاد دیگران را به شوهر نسبت دادن که این امور و جوه مشترکی بین زن و مرد دارد و مردان هم می‌توانند چنین جرائمی را مرتکب شوند. بنابراین، آنچه رسول خدا در مجتمع اسلامی باب می‌کند برای جامعه اسلامی عملی معروف و پسندیده و مخالفت با آن در حقیقت تخلف از سنت اجتماعی و بی‌اعتماد کردن آن است. از این بیان روشن می‌شود که

عبارت «معصیت در معروف» عبارتی است که هم شامل ترک معروف مانند نماز و روزه و زکات و هم شامل ارتکاب منکر مانند تبریج و عشوه‌گری زنان که از رسوم جاهلیت اولی است، می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۶، ۴۹۱/۱۲). قرآن بیعت با حکومت را که بارزترین مظهر فعل سیاسی در جامعه است برای زنان می‌پذیرد و تاریخ صدر اسلام نیز نشان‌دهنده تحقق این عمل سیاسی از سوی زنان است. در بیعت عقبه ثانیه علاوه بر مردمان مدینه پس از انجام اعمال حج با رسول الله ﷺ زانی به نام ام‌عمار و اسماء نیز در مکه با پیامبر بیعت کردند (مهریزی، ۱۳۸۱، ص ۷۰).

۴-۳. مهاجرت

آیه چهارم: «یا ایها الذین آمنوا اذا جاءکم المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن الله اعلم بایمانهن فإن علمتموهن مؤمنات فلا ترجعوهن الی الکفار لانهن حل لهن ولا هم یحلون لهن وآنوهم ما انفقوا ولا جناح علیکم ان تنکحوهن اذا آتیتموهن اجورهن ولا تمسکوا بعصم الکوافر و سئلوا ما انفقتم و لیسئلوا ما انفقوا ذلکم حکم الله یشکم بینکم و الله علیم حکیم و ان فاتکم شیء من ازواجکم الی الکفار فعاقبتنم فآتوا الذین ذهبت ازواجهم مثل ما انفقوا و اتقوا الله الذی انتم به مؤمنون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که زنان باایمان برای هجرت نزد شما آیند آنها را آزمایش کنید. خداوند به ایمانتان آگاه‌تر است. هرگاه آنها را مؤمن یافتید آنها را به سوی کفار بازنگردانید نه آنها برای کفار حلال هستند و نه کفار برای آنها حلال و آنچه را همسران آنها برای ازدواج با این زنان پرداخته‌اند به آنان بپردازید و گناهی بر شما نیست که با آنها ازدواج کنید هرگاه مهرشان را به آنها بدهید و هرگز زنان کافر را در همسری خود نگه ندارید (و اگر کسی از زنان شما کافر شد و به بلاد کفر فرار کرد) حق دارید مهری را که پرداخته‌اید، مطالبه کنید همان‌گونه که آنها حق دارند مهر زنانشان را که از آنها جدا شده‌اند) از شما مطالبه کنند. این حکم خداوند است که در میان شما حکم می‌کند و خداوند دانا و حکیم است. اگر بعضی از همسران شما از دستتان بروند (و به سوی کفار بازگردند) و شما در جنگی بر آنان پیروز شدید و غنایمی گرفتید به کسانی که همسرانشان

رفته‌اند مانند مهری را که پرداخته‌اند، بدهید و از مخالفت خداوندی که همه به او ایمان دارید، بپرهیزید». (ممتحنه: ۱۱۰)

از نظر علامه، این آیه بعد از صلح حدیبیه نازل شده است. مفاد عهدنامه‌هایی که میان رسول خدا ﷺ و اهل مکه نوشته شده بود این است که اگر از اهل مکه مردی به مسلمانان پیوست مسلمانان موظف هستند او را به اهل مکه برگردانند. «یکی از زنان مشرکان مسلمان شد و به مدینه مهاجرت کرد و همسر مشرکش به دنبال او آمد و درخواست کرد که رسول خدا ﷺ او را به وی برگردانند. در عهد نامه درباره زنان چیزی نیامده بود. به همین دلیل پیامبر ﷺ آن زن را به شوهرش تحویل نداد، حتی مهریه‌ای را که شوهر به همسرش داده بود به آن مرد برگرداند» (طباطبایی، ۱۳۸۴، ص ۶۰۷). آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: «ام‌کلثوم دختر عقبه بن ابی معیط از زنانی بود که جزو مهاجران بود. او در سال هفتم هجری مهاجرت کرد و اولین مهاجری بود که از مکه به مدینه با پای پیاده مهاجرت کرده است و همسرش زید بن حارثه بود که در جنگ موته به شهادت رسید. بنابراین، زن و مرد در اسلام یکسان هستند. اسلام با استمداد از همین اصل کلی عقلی و قلبی پیام‌های خود را به هردو صنف ابلاغ کرده است» (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۳۲۲).

۴-۴. جنگ و دفاع

آیه پنجم: «لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدون باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجه و کلا و عدالله الحسنی و فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما. درجات منه و مغفره و رحمه و کان الله غفورا رحیما؛ هرگز افراد باایمانی که بدون بیماری و ناراحتی از جهاد بازنشسته‌اند با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کرده‌اند، یکسان نیستند. خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد کردند بر قاعدان (ترک‌کنندگان جهاد) برتری مهمی بخشیده و به هریک از این دو گروه (به نیت اعمال نیکشان) خداوند وعده پاداش نیک داده و مجاهدان را بر قاعدان با پاداش

عظیمی برتری بخشیده است. درجات مهمی از ناحیه خداوند و آموزش و رحمت (نصیب آنها می‌شود) و (اگر لغزش‌هایی داشته‌اند) خداوند آمرزنده و مهربان است». (نسا: ۹۵ و ۹۶)

علامه در این مورد می‌فرماید: «ضرر یعنی، نقصان در وجود که مانع از قیام به جهاد و جنگ است مانند کوری، لنگی و بیماری. مراد از جهاد با مال، انفاق در راه خدا به منظور ظفر بر دشمنان دین است و مراد از جهاد با نفس قتال و جنگ است. جمله «و کلا وعد الله الحسنى» دلالت بر آن دارد که مراد از منزل نشینان کسانی هستند که اوقاتی که دیگران برای جهاد بیرون می‌رفته‌اند و احتیاجی به رفتن آنها بوده در چنین حالی بیرون نرفته‌اند. بنابراین، این کلام به منظور ترغیب و تحریض مردم برای قیام به امر جهاد و مسابقه در رفتن به جنگ و پیشی جستن از یکدیگر برای شرکت در جنگ آورده شده است. خداوند در این آیه هریک از قاعدین و مجاهدین را وعده پاداش نیک داده است، اما آیه عبارت «و فضل الله المجاهدین» اشاره دارد به اینکه سزاوار نیست مؤمنین قناعت کنند به وعده پاداش خوب و در نتیجه از جهاد در راه خدا و اعتلا کلمه حق و ازین بردن باطل کسالت نشان دهند؛ برای اینکه فضل و برتری مجاهدین بر قاعدین درجات مغفرت و رحمتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. سبب فضل و برتری در این آیه، انفاق مال و بذل جان است. اجری که در این آیه ذکر شده است هم می‌تواند اجر دنیوی یعنی، غنایم جنگی و هم یک اجر معنوی یعنی، منزل‌ها و درجات رفیعه بهشت باشد و اجرهای معنوی آن، مغفرت و رحمت خداوندی است. به عبارتی درجات اخروی و معنوی هر چه هست از طرف خداست».

(طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۷۳)

از نظر آیت‌الله جوادی آملی دیه در اسلام بر معیار ارزش معنوی انسان مقتول نیست، بلکه دستور خاصی ناظر به مرتبه بودن انسان کشته شده است و نشانه آن این است که اسلام بسیاری از افراد از زن و مرد را که اختلاف علمی یا عملی دارند، متفاوت می‌بیند و تساوی آنها را نفی می‌کند، اما دیه آنها را مساوی می‌داند. خداوند درباره اختلاف کسی که قبل از فتح مکه و پیروزی اسلام جهاد، انفاق و کمک مالی می‌کردند با کسی که بعد از فتح مکه در جهاد شرکت و در راه خدا کمک

مالی می‌کردند در آیه ۱۰ سوره حدید می‌فرماید: «کسانی از شما که پیش از فتح مکه انفاق و جهاد کرده‌اند با دیگران یکسان نیستند. آنان از نظر درجه، بزرگ‌تر از کسانی هستند که بعداً به انفاق و جهاد پرداخته‌اند» (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۵).

۴-۵. همانندی زن و مرد در امور اجتماعی

آیه ششم: «انما المؤمنون الذین آمنوا بالله ورسوله واذکانوا معه علی امر جامع لم یذهبوا حتی یستأذنه لبعض شأنهم فأذن لمن شئت منهم واستغفر لهم الله ان الله غفور رحیم؛ مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند بی‌اجازه او جایی نمی‌روند، کسانی که از تو اجازه می‌گیرند به راستی به خدا و پیغمبرش ایمان آورده‌اند. در این صورت هرگاه برای بعضی از کارهای مهم خود از تو اجازه بخواهند به هر یک از آنان که می‌خواهی (و صلاح می‌بینی) اجازه ده و برایشان از خدا آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است.» (نور: ۶۲) از نظر آیت‌الله جوادی آملی حضور زن در مسائل اجتماعی و سیاسی همانند مرد است. زن نه تنها می‌تواند برای استحقاق حق پایمال شده به محکمه‌های حاکمان زور مراجعه کند، بلکه می‌تواند حامی حقوق دیگران باشد و موظف است حمایت از حقوق دیگران را معروف بداند و دفاع از حقوق شخص منهای حقوق جامعه را منکر تلقی کند. این آیه حضور همه مردان با ایمان را در امور سیاسی لازم می‌داند و اطلاق و سیاق این آیه و تنقیح مناط آن، زن و مرد را یک‌جا شامل می‌شود و این حکم را برای هر دو لازم می‌شمارد. از سخنان امام علیه السلام مشخص می‌شود چون پیام دین این است که حضور در صحنه سیاسی-اجتماعی و وظیفه مشترک زن و مرد است با این بینش دیگر کسی نمی‌گوید چون زن ایمانش کم است یا عقلش ناقص است نباید در امور سیاسی دخالت و یا از حقوق جامعه دفاع کند (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۳۰۳).

۵. نتیجه‌گیری

در تحلیل محتوای تفسیر آیات مربوط به جایگاه زن در خانواده از نظر علامه طباطبایی، در آیه ۳۴ سوره نساء بطور آشکار به معاشرت نیکو با زنان و به بحث تأثیر زن و مرد در جامعه به یک

میزان اشاره دارد که نهاد خانواده کوچک‌ترین اجتماع است و همکاری دو طرفه زن و مرد را یادآوری کرده‌است؛ البته هر یک به اندازه آنچه در توان دارد و بیشتر از توان افراد انتظار نیست. در آیه ۲۱ سوره روم آشکارترین مضمون ارتباط عاطفی بین زن و مرد است. عشق و علاقه میان آنها را وسیله آرامش می‌داند و این تنها در شرایطی حاصل می‌شود که احترام متقابل وجود داشته باشد در نتیجه احترام به زن نیز یکی از ملزومات رسیدن به آرامش و یک موهبت الهی است. از تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء این‌گونه نتیجه می‌شود زنان رازدار و سردار شوهرانشان هستند؛ یعنی امین آنها باید باشند و این صفت از خصوصیات زنان درستکار محسوب شده است. از نظر آیت‌الله جوادی آملی در آیه ۲۱ سوره روم آشکارا گفته شده اصل گوهر هستی زن و مرد یکی است و خلقت هیچ‌کدام جدا از دیگری نیست، اما زن را آفریده تا مایه آرامش باشد. در تفسیر آیه ۳۴ نساء به برتری مرد بر زن اشاره شده است، اما مراد این است که مرد چون در مسائل اجتماعی و اقتصادی توانایی بیشتری دارد سرپرستی خانواده با اوست نه اینکه زن تحت فرمان مرد است، بلکه گفته شده مرد سرپرستی زن و منزل را عهده دار است، پس باز هم لطمه‌ای به مقام و مرتبه زن در خانه وارد نشده است، بلکه افضلیت مرد در اجرای مسائل مربوط به خانه است.

از نظر آقای مهدی مهریزی در تفاسیر آیات ۱۲۳ و ۱۱۷ طه، زن به مثابه همسر هویتی مستقل و برابر مرد دارد از همه مزایای ازدواج و خانواده بهره می‌برد و بدون تحمیل در انتخاب ازدواج آزاد است. در آیه ۲۳۳ بقره مشورت با زن را در گرفتن کودک از شیر بیان کرده است؛ یعنی مادر در مورد کودک خود اختیاراتی دارد. علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی هر دو زن را مایه آرامش خانواده معرفی کرده‌اند. علامه طباطبایی و مهدی مهریزی بحث اختیار و نظر مادر درباره کودک (مانند تغذیه) را مطرح کرده‌اند و به‌طور کلی هر سه مفسر زن را عامل مؤثر و با هویت مستقل در خانواده دانسته‌اند چه در نقش مادری و یا همسری. در تحلیل محتوای تفسیر آیات مربوط به جایگاه سیاسی-اجتماعی زنان از نظر علامه طباطبایی در آیه ۱۲ ممتحنه بیعت زنان با پیامبر بیان شده که با اجرای دستورات اسلامی عهد و پیمان می‌بندند این دستورات بین زن و مرد مشترک است و برخی خاص زنان است و تخلف از این پیمان، تخلف از سنت اجتماعی محسوب می‌شود.

در آیه ۹ و ۱۰ سوره ممتحنه زنان می‌توانند از جامعه مشرک به دین اسلام و به جامعه اسلامی پناه بیاورند و نباید آنها را طرد کرد و با بازگرداندن مهریه (اگر قبلاً پرداخت شده) به شوهر می‌توان او را نجات داد (از دست همسر مشرک) در آیه‌های ۹۵ و ۹۶ سوره نساء جهاد را با ارزش خوانده است که منظور دفاع از مکتب و سرزمین اسلامی است و در فعل جهاد تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و بنابر دلایل روانی در مکتب اسلام، قتال را که همان حضور در جنگ رودررو می‌باشد برای زن صلاح ندانسته است.

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است در تفسیر آیه ۶۲ سوره نور مؤمن حقیقی کسی است که هرگاه در امور اجتماعی که سیاست هم نوعی از آن است، به حضورش نیاز باشد باید حاضر شود و تفاوتی بین زن و مرد قائل نشده است و دفاع از حقوق از کارهای واجب است، اما باید حقوق جامعه را هم در آن فرض کرد. در این بیانات، سخنانی که کم عقل بودن زن را تأیید می‌کند یا اینکه عقل زن ناقص است را رد می‌کند؛ زیرا وقتی کلامی از رهبران آسمانی می‌رسد ممکن است در ظاهر ادبی اطلاق به جمع مذکر شود، اما شامل همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن جنسیت می‌شود. در تحلیل آیه ۱۰ سوره ممتحنه اگرچه اسم زنان مانند مردان گفته نشده، اما مهاجرت حق زنان است و برای دفاع از دین و مقابله با جامعه فاسد می‌توانند به آنها پشت کرده و مهاجرت کنند که چه بسیار زنانی که با خطبه‌ها و مناظره‌های خود حکومت‌های ظالم را محکوم کرده‌اند. در تفسیر آیه ۹۵ سوره نساء درک می‌کنیم که اجر مجاهدین را ذکر کرده است و تفاوت آنها با کسانی که در خانه نشستند و جهاد نکرده‌اند بیان شده است و حتی اگر کسی جرمی مرتکب شده باشد و باعث قصاص شود در زن و مرد بودن تفاوتی ندارد و در کفاره نیز متساوی و حکم اجرا می‌شود.

در کتابی که منبع تفسیر جوادی آملی بوده است درباره بیعت زنان صحبتی نشده است، اما علامه طباطبایی و مهریزی بیعت را امری اجتماعی-سیاسی می‌دانند و زنان در صدر اسلام با رسول خدا بیعت کرده‌اند. آیت‌الله جوادی آملی وجود حضور زن و مرد در صحنه سیاسی و اجتماعی را ذکر کرده است و مهاجرت را که در دنیای امروز پناهندگی به جامعه دیگر فرض شده است را حق زنان دانسته‌اند. مهاجرت به منظور دفاع از دین و دوری از جامعه مشرک اجر بسیاری

دارد و هجرت یک حرکت سیاسی-اجتماعی است. جهاد شامل زن و مرد می‌شود و مجاهدان پاداش زیادی دارند. نظر هر سه در جهاد و مهاجرت یکی است و آیت‌الله جوادی قدرت مناظره سیاسی را برای زنان قائل شده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آکین، سوزان مولر (۱۳۸۳). زن از دیدگاه فلسفه سیاسی غرب. مترجم: نوری زاده، نادر. تهران: قصیده‌سرا.
۲. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۹۱). صحیح بخاری. مترجم: نور احرار، عبدالعلی. بی‌جا: مکتبه البشیری.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷). زن در آئینه جمال و جلال. قم: مرکز نشر اسرا.
۱۲. جوان آراسته، حسین (۱۳۷۹). حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام. تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. نشر معارف.
۴. دورانت، ویل (۱۳۸۲). لذات فلسفه. ترجمه زریاب خویی، عباس. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۵. زنجانی، عمید (۱۳۸۱). مبانی اندیشه سیاسی در اسلام. تهران: سازمان چاپ و انتشارات سمت.
۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۶). تفسیر المیزان. مترجم: موسوی همدانی، سید محمدباقر. قم: نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۶). زن در قرآن. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی.
۸. علوی، هدایت‌الله (۱۳۸۰). زن در ایران باستان. تهران: انتشارات هیرمند.
۹. غروی، سید محمدجواد (۱۳۹۶). مبانی حقوق در اسلام. تهران: نگارش.
۱۰. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.
۱۱. قیوم‌زاده، محمود (۱۳۸۸). حقوق اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام. نشریه علمی-پژوهشی علوم اسلامی، ۳(۱۲)، ۱۰۲-۷۵.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: صدرا.
۱۳. مهریزی، مهدی (۱۳۸۱). زن در اندیشه اسلامی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. وکیلی، الهه (۱۳۸۷). بررسی حقوق انسانی و اجتماعی زن در قرآن. نشریه بینات (مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، ۱۵(۳)، ۱۵۵-۱۳۷.